

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

الحاج خلیل الله ناظم باختري  
همبورگ – جرمني

## دوای استقامت

چو گفتي در دلت اندیشه داری  
من از یاران بی وجدان نیستم  
که غافل باشم از احوال یاران  
نباشم غمشریکِ دوستان  
اگر یاران من شادان باشند  
همیشه سرخوش و خندان باشند  
خدا داند که من شادان باشم  
تبسم بر لب و خندان باشم  
اگر یاران را مغموم بینم  
به یک اندیشه موهوم بینم  
پریشان میشوم حیران و غمگین  
فراموشم شود این جان شیرین  
چه غم داری بگو جان برادر  
غم دُنیا نمی ارزد به جودر  
بگو ای جان من اندیشه ات را  
که من دکتورم از درد و مداوا  
نمی ارزد جهان بایک سر جو  
غم کُهنه رُباط و رونق نو  
کجا شد جان من شورِ جوانی؟  
نه عمر و زندگانی پایدار است  
بجز از جان شیرین خود ما  
فقط آتش بسوزد خرمنی را  
چو تقدیر است تدبیری بکار است  
بدستِ مرد چوگان است و رستم  
عزیز من تو مردِ عاقل هستی  
بزن بر فرق غم یک مشتِ مُحکم  
چو شد ایام عیش و کامرانی؟  
نه بالای زمانه اعتبار است  
نمی سوزد کسی با ما یکجا  
نمی سوزد جهان و مأمنی را  
دوای درد و تأثیری بکار است  
به هر جا میزند غم را دمام  
دبیر و شاعر و هم عامل هستی  
چو سر بالا کند مشتِ دمام

حواله کُن بجانِ ناتوانش      که فرسوده شود روح و روانش  
مُجَرَّب نسخه {ناظم} همین است  
دوایِ استقامت اینچنین است